

مقایسه پارادایم های مطالعات کمی و کیفی (قسمت دوم)

پژوهشگران: عبدالحسین امامی سیگارودی^{۱*}، مهوش صلصالی^۲، هادی بصیری^۳

(۱) دانشجوی دکترای پرستاری، مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کیلان

(۲) آموزش پرستاری، استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

(۳) کارشناس ارشد علوم حوزوی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کیلان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۲/۴

چکیده

همانطور که در قسمت اول مقاله بیان شد، چهار پارادایم فلسفی عمده داریم که مبنای معرفت (معرفت شناسی)، ماهیت و واقعیت (هستی شناسی) و روش دستیابی به معرفت را تشکیل می دهند (روش شناسی). از این رو، بر اساس هر پارادایم، روش رسیدن به معرفت مشخص می شود.

در یک دسته بندی کلی تر، دو پارادایم کمی و کیفی داریم. روشی که امروزه تحت عنوان روش کمی یا علمی نام گرفته است اقتباسی از نظام فلسفی اثبات گرایی است. بر این اساس، فقط روش علمی تجربی، روش معتبر تحقیق و شناخت دانسته می شود. از طرفی روش کیفی، متمرکز بر موقعیت های طبیعی است؛ لذا این مطالعات را گاهی مطالعه طبیعت گرایانه نیز می نامند. از آنجا که تقابل پارادایمی در سوالات اساسی آن پارادایم، بروز می کند، پژوهشگر با استفاده از منابع مختلف، پاسخ این دو پارادایم به سوالات اساسی را در قالب جداولی در کنار هم قرار داده است و به بررسی مقایسه ای آنها پرداخته است. در نهایت اهمیت هر یک مورد تاکید قرار گرفته است.

کلید واژه ها: تحقیق کیفی /تحقیق/فلسفه، پرستاری

سه پرسش بنیادین آغاز می شود که با موضوع، روش، و اهداف آن قلمرو علمی، ارتباط دارند. این سؤال ها عبارتند از:

- پژوهشها در این حوزه علمی، درباره چه موضوع یا موضوعاتی صورت می گیرند؟
- پژوهش ها چگونه و یا با چه روشهایی صورت می گیرند؟
- هدف این پژوهشها چیست؟ یا چرا این پژوهش ها صورت می گیرند؟(۳).

بعبارتی برای درک و احساس فرق بین پارادایم های متدولوژیک، محقق باید ماهیت و مشخصات پدیده مورد آزمون و فرآیند دانستن تا انتها را بداند. محقق باید ماهیت پدیده و ارتباط بین پدیده ها(هدف مشاهده) و مشاهده گر(موضوع دانستن) را درک کند. همچنین محقق باید اسلوب های مختلف منطق، مانند استقراء و قیاس و ابدکتیو(ترکیبی) را بفهمد. این سبک ها منطق مشروط بر فرضیات معرفت شناسی و هستی شناسی هستند و روشهای تحقیق و تشریح را مشخص می کنند(۴).

در قسمت قبل گفته شد که چهار دیدگاه نظری- فلسفی(پارادایم تحقیق) اصالت تحصیلی(اثبات گرایی)؛ تفسیرگرایی؛ نظریه انتقادی و پسا ساختار گرایی، مبنای دستیابی به شناخت در تحقیقات هستند که مهارتهای پژوهشی مورد نیاز و سایر پیش فرضهای تحقیق زیربط را آشکار می کنند(۱).

این معنا در نوشته ها و آثار بسیاری از صاحب نظران با بیانی متفاوت بروز کرده است، برای مثال گوبا و لینکن بیان کردند که اعتقادات پایه ای که پارادایم تحقیق خاص را تعریف می کنند، می توانند با سه سوال پایه ای زیر خلاصه شوند:

- سوالات انتولوژیک(آنچه «واقعیت» را شکل می دهد)
 - سوالات اپیستمیولوژیک(اعتقادات پایه ای در مورد دانش)(برای مثال آنچه را می توان دانست)
 - سوالات متدولوژیک(چگونه می توان بدنبال یافتن آنچه باید دانسته شود، رفت)(۲).
- رید نیز معتقد است: بحث درباره تحقیق و پژوهش در حوزه های علمی، به طور معمول، با طرح

پارادایم کمی (اثبات گرایی):

روشی که امروزه تحت عنوان روش علمی یا کمی نام گرفته اقتباسی از نظام فلسفی اثبات گرایی است (۶). پوزیتیویسم، از ریشه پوزیتیو به معنای واقعی، مثبت، صریح، تحقیقی، تحصیل گرایی و اثبات گرایی می باشد. پوزیتیویسم اصطلاحی فلسفی است که بر اساس آن، تنها روش معتبر تحقیق و شناخت، روش علمی تجربی دانسته می شود. روشی که بر پایه تجربه است (۷).

اثبات گرایی نظام فلسفی است که مطابق آن تنها پدیده های طبیعی و ارتباطات آنها می تواند موضوع علم باشد. یکی از برجسته ترین اصول مطرح شده در این نظام اصل آزمایش پذیری است. که برطبق آن اگر و تنها اگر بتوان چیزی را به وسیله حواس انسانی مورد بررسی قرارداد آن چیز معنا و مفهوم پیدا می کند. در این دیدگاه جهان آشکار یا دنیای بیرونی معنا و مفهوم دارد و مباحثی همچون احساسات، ارزشها و تفاسیر، مباحثی غیر علمی قلمداد می شوند (۶).

قبل از سال ۱۹۶۰ دانشمندان دیدگاه اثبات گرا داشتند و علمی را که براساس آزمون و مشاهده نبود اساساً علم به حساب نمی آوردند، در این دوره تمام تحقیقات کمی بودند (۸). پیروزی علم در این قرن بخوبی مشکوف بود؛ اما نارسایی های آن برای همه مشهود نبود. خصومت با طبیعت و تسلط بر آن که هدف کاوش های تجربی است، برای چشم های ظاهربین به ثمر نشسته بود. آنان می پنداشتند که چندان چیزی نمانده است که کشف شود و بزودی پرده از راز همه معماهای جهان برداشته خواهد شد و همه مجهولات با سوهان علم تراش خواهند یافت و بلور شفاف پرتو خیز دانش، چشم همه مدعیان را خیره خواهد کرد؛ و می گفتند که جهان یک مسأله ی مکانیک ساده است. پوزیتیویسم در بستر چنین قرنی و در دامن چنین فضایی پرورش یافت. اندیشه مادر و بنیادین این مکتب آن بود که بشر جز به دانش تجربی

لبلا تک می نویسد، روشها یا ابزارهای استفاده شده برای مطالعه پدیده ها، به فرضیه های فلسفی در خصوص اینکه محقق چگونه می تواند درباره واقعیت (انتوز) بداند (اپیسم)، وابسته هستند؛ لذا سیستم فلسفی فرضیات را اصطلاحاً متدولوژی می نامند. سیستم های مختلف به پارادایم های مختلف بر می گردد (یعنی متدولوژی از پارادایم نشأت می گیرد) (۴). بنابراین مقایسه پارادایمی در چهار بعد هستی شناسی، معرفت شناسی، روش شناسی و ارزش شناسی اتفاق می افتد.

معرفت شناسی به فلسفه دانش یا اینکه چگونه می توانیم بدانیم می پردازد. معرفت شناسی با هستی شناسی مرتبط است و هستی شناسی فلسفه واقعیت است؛ و معرفت شناسی راه دانستن آن واقعیت است (۵). متد عبارت است از مجموعه قدمهایی (نظامند) که برای انجام مطالعه درباره پدیده خاص یا مجموعه ای از پدیده ها برداشته می شود. برای مثال در یک روش کمی متغیرهای مستقل و وابسته مقایسه می شوند، یا از تحلیل واریانس، یا استفاده از ابزار خاص جهت گردآوری داده ها بهره برده می شود. اما یک متدولوژی تحقیق عبارت است از سیستم فرضیات که تعیین کننده روش مناسب تحقیق هستند. یک متدولوژی مثل پوزیتیویسم منطقی فرضیاتی در خصوص «واقعیت» و آگاهی از «واقعیت» را فراهم می کند (۵).

بنابراین متدولوژی (روش شناسی) ما را به ریشه تفاوتها می رساند، و با این تعریف، متد (روش) سطحی تر از بحث ما است. و نوع پاسخ به سوالات است که پارادایم تحقیق ما را مشخص می کند، نه هرچیز دیگر. از اینرو برای پیگیری بحث، نیازمند آگاهی از پاسخ پارادایم ها به این پرسش های اساسی هستیم. البته با توجه به اینکه از پارادایم های فلسفی مذکور دو پارادایم تحقیق کمی، کیفی جدا می شوند، مختصری درباره دو پارادایم صحبت می کنیم و در ادامه، از این منظرها پرسش های اساسی را پیگیری می کنیم.

اثبات گرایی بر دو گونه اثبات گرایی کلاسیک و اثبات گرایی منطقی تقسیم می‌شود. هر دو گونه اثبات گرایی کلاسیک و منطقی اساساً مبتنی بر تعمیم روش علوم طبیعی در علوم اجتماعی هستند(۶).

پارادایم کیفی (تفسیر گرایی):

در دهه های اخیر الگو یا پارادایم دیگری، خاصه در تحقیقات علوم انسانی، پا به عرصه گذاشت و توانست مقبولیت یابد. این مدل که در ابتدا توسط مردم شناسان و جامعه شناسان مطرح شده بود با عناوینی همچون «تحقیقات کیفی»، «طبیعت گرایی»، «قوم نگاری و «مطالعه موردی» و... نامگذاری شدند این دیدگاه هم به لحاظ مبانی نظری و هم به لحاظ روش شناسی متفاوت از رویکرد کمی گرا بود(۶).

مبنای فلسفی روش کیفی، مکتب فلسفی ساختارگرایی است(۶). ساختارگرایی نوعی روش شناسی است که در اصل در علوم اجتماعی استفاده می شد و بعدها با پرداختن به متون ادبی و به شکلی گسترده تر همه آثار هنری تطبیق یافت. نخستین منادی بزرگ آن «سوسور» بود که کارها و نظراتش درباره زبان شناسی، سلف مشترک همه ساختارگرایان بعدی است. سوسور با این گفته خود که «از طریق روش شناسی مورد نظر وی، می توان به تمام جنبه های زندگی اجتماعی پرداخت» انگیزه لازم را به کارهای ساختارگرایان بعدی بخشید(۱۰). ساختار گرایی، که گاهی تفسیرگرایی و طبیعی گرایی نیز نامیده شده، دیدگاهی است که طبق آن، مشاهده آنچنان خالص نیست که فارغ از علائق و ارزشهای فرد باشد. از این دیدگاه، تحقیق علمی باید فهم همدلانه ای از افراد مورد مطالعه خود داشته باشد. این رویکرد مدافع روش های کیفی در تحقیق است.

در این منظر یکی از چیزهای مهم زمینه است، «شیمارا» می گوید که رفتار و تجارب انسان در یک «زمینه» شکل می گیرند و وقایع اگر از «زمینه» خود جدا شوند، نمی توانند بطور کامل درک شوند. او معتقد است این جدایی، هاشور زدن یا نادیده گرفتن

راه به دانش دیگری ندارد؛ و بدون آگاهی تجربی از چیزی، از آن هیچ آگاهی نمی توان داشت(۹).

در نظر کنت، از علوم طبیعی می توان الگوهای نظری و روشهای مطالعه را فرا گرفته و در علوم اجتماعی به کار بست. بدین معنا که روش تحقیق و رویکرد به مسایل علوم اجتماعی متفاوت از علوم طبیعی و ریاضی نیست و در علوم اجتماعی هم به مثابه علوم طبیعی باید از کشف و شهود و قضاوتهای ارزشی و هنجاری پرهیز کرد(۱۰).

ویژگی های معرفت تجربی:

- روش علم، تجربه و مشاهده است، نه تجربه شخصی و درونی، بلکه تجربه ای که در دسترس همه کس باشد، نه تجربه ای خام و بی جان، بلکه تجربه ای سنجیده و سامان یافته.
- کاوش تجربی همیشه دنبال فرضیه ای است که شخص در ذهن دارد. هیچ کس راه نمی افتد تا ببیند که دنیا چه خبر است، بلکه دنبال آن است که بداند آنجوری که او فکر می کند درست است.
- تفسیرهای علمی همیشه در سایه تئوری ها و قوانین علمی صورت می گیرند. بدون داشتن یک تئوری نمی شود پدیده را تفسیر کرد(۱۱).
- اساس داده های مکتب پوزیتیویسم بر داده های بی واسطه حواس متکی بود و نقطه مقابل ایده الیسم بشمار می رفت. کنت در ادعای خود تا آنجا پیش رفت که حتی مفاهیم انتزاعی علوم را که از مشاهده مستقیم بدست نمی آید، متافیزیکی و غیر علمی می شمرد؛ و کار را به جایی رساند که اصولاً قضایای متافیزیکی را الفاظی پوچ و بی معنا به حساب می آورد. مکتب اثبات گرایی بر پیش فرضهای زیر استوار است:
- وجود جهان خارج از ذهن.
- این جهان به طور منظم چیده شده است.
- بر این جهان خارجی قوانینی حاکم است.
- انسان می تواند این قوانین را کشف کند.
- معتبرترین ادعاهای علمی، ادعاهای آماری، ریاضی و کمی هستند(۱۲).

«زمینه»، نامیده می شود، که جنبه کلیدی علم است (۱۳).

هدف این رویکرد تصدیق ایده های از قبل مشخص شده نیست، بلکه منجر به بصیرتی جدید می شود. بنابراین تحقیقات کیفی متمرکز بر موقعیت های طبیعی است. این مطالعات را گاهی مطالعه طبیعت گرایانه نیز می نامند (۱۳).

برخلاف دیدگاه پوزیتیویست ها، تفسیرگرایان بر این باورند که محقق در واکنش به پدیده های اجتماعی باید دیدگاه ها و احساسات خود را بعنوان بخشی از فرآیند تحقیق وارد کند. محقق تفسیری نیاز دارد، حتی بصورت موقت در ارزشها، تعهدات سیاسی اجتماعی مشارکت کنندگان سهیم شده و با آنها همدردی کند. این افراد دنبال بی طرفی ارزشی نیستند، بلکه می خواهند بدانند چگونه آن ارزش را می توانند کسب کنند. اینان معتقدند که ارزش، یک بخش محوری از زندگی اجتماعی است. بعبارتی ارزشهای هیچ گروهی غلط نیست، بلکه فقط متفاوت است (۶، ۱۴).

اصولاً "رویکرد کیفی بر اساس دیدگاه کل نگر به پدیده های هستی بنا شده است؛ و بر دو اصل زیر استوار است:

الف) فقط یک واقعیت منحصر وجود ندارد، واقعیت براساس ادراک فرد بنا نهاده شده است، و برای هر فرد، متفاوت است؛ و در طول زمان نیز تغییر می کند.

ب) آنچه ما می دانیم فقط در یک موقعیت یا متن معنا پیدا می کند.

پژوهشگران کیفی دنبال پاسخ به چراها هستند؛ در حالی که مطالعات کمی به دنبال رابطه علت و معلولی، آزمون فرضیه، پیش بینی و کنترل می باشند، مطالعات کیفی با هدف طرح تئوری و روشن نمودن پیچیدگی های یک پدیده، آشکار کردن مفاهیم، تجربه مفاهیم و پدیده ها است. پژوهشگران در مطالعات کیفی دارای خصوصیات خاص بوده و در ارتباط مستقیم با نمونه ها هستند.

تحقیق کیفی در واقع شیوه منظم بررسی به منظور فهم موجودات انسانی و تعامل آنها با خود و محیط اطرافشان تعریف می شود که یک روش کل نگر است و انسان را در محیط و با تمام پیچیدگی هایش مورد توجه قرار می دهد (۱۴).

جدول شماره ۱: مقایسه ویژگی های تحقیقات کیفی و کمی

تحقیق کیفی	تحقیق کمی
نوع استدلال	نوع استدلالی
هدف	هدف
گردآوری داده ها	گردآوری داده ها
نوع تحقیق	نوع تحقیق
ارتباط محقق و مشارکت کنندگان	ارتباط محقق و مشارکت کنندگان
ارزیابی تحقیق	ارزیابی تحقیق
نمونه گیری	نمونه گیری
نتیجه	نتیجه

کلانتری پنج خصیصه را برای تحقیق کیفی مشخص نموده است و می نویسد: ممکن است یک تحقیق، بعضی از این خصائص را نداشته باشد. ا. تحقیقات کیفی دارای ماهیت طبیعی می باشند. ب. تحقیق کیفی، توصیفی است. ت. محققان کیفی بیشتر به فرآیند می پردازند تا محصول و خروجی ها. ث. محققان کیفی تمایل دارند اطلاعاتشان را بصورت مقایسه ای بررسی کنند.

ج. در تحقیق کیفی معنا اهمیت خاصی دارد (۱۶).

روشهای تحقیق کیفی این امکان را ایجاد می کند تا قرائت های مختلفی از یک واقعیت به ظهور برسد (۱۷). در تشریح تفاوت واژه گزینی این دو رویکرد، یعنی کیفی گرایی و کمی گرایی به این نکته اشاره دارد که «کیفیت»، ویژگی ذاتی یا ماهیت چیزی و «کمیت» مقدار آن است. کیفیت از «چه هست» و

کمیت از «چه مقدار» صحبت می کند. کیفی گرا به پدیده ها اشاره دارد و «کمی گرا» از پیش، مفروضه ای برای مفاهیم دارد و در پی اندازه گیری آن است (۶). مقایسه پارادایمی دو روش کمی و کیفی: داده است (جدول شماره ۲ و ۳ و ۴).

چنانکه قبلاً ذکر شد تقابل پارادایمی در سوالات اساسی آن پارادایم بروز می کند، لذا پژوهشگر با استفاده از منابع مختلف، پاسخ این دو پارادایم به سوالات اساسی را در قالب جداولی در کنار هم قرار داده است (جدول شماره ۲ و ۳ و ۴).

جدول شماره ۲: پاسخ دو پارادایم کمی و کیفی به سوال هستی شناسی

۱- حیطه انتولوژیک (هستی شناسی)		سوالات مطرح در تحلیل پارادایم	
پارادایم تحقیق		پارادایم	
تفسیر گرایان	مثبت گرایی	ماهیت «واقعیت»	سوالات انتولوژیک
<p>♦ دنیا پیچیده و پویا است که بوسیله مردم در تعامل با همدیگروبا سیستم اجتماعی وسیع تر ساخته، تفسیر و تجربه می شود؛ یعنی تعریف سیال بوسیله تعامل انسان / ساخت اجتماعی واقعیت</p> <p>♦ «واقعیت» ذهنی است. افراد «واقعیت» را از راههای مختلفی تجربه می کنند. ذهنی بودن «واقعیت» مهم است یعنی آنچه مردم فکر، احساس می کنند یا می بینند.</p> <p>♦ «واقعیت» فقط بصورت نادقیق قابل دستیابی است.</p> <p>♦ استفاده از زبان، یک «واقعیت» خاص را تعریف می کند.</p>	<p>♦ یک «واقعیت» درست و عینی وجود دارد که بوسیله قوانین علت و اثر غیر قابل تغییر، مدیریت می شود.</p> <p>♦ تاکید بر پایداری الگوهای اولیه یا شیوه ای که می تواند کشف کند.</p> <p>♦ «واقعیت» وابسته به زمان و زمینه نیست.</p> <p>♦ «واقعیت» قابل کلیت بخشی است. (تعمیم)</p>	ماهیت «واقعیت»	سوالات انتولوژیک
<p>♦ در اجتماع بودن دائماً معنی واداراک هایی از دنیا ایجاد می کند.</p> <p>♦ مردم درک از «واقعیت» را بطور تجارب درونی دارند.</p>	<p>♦ منطقی است.</p> <p>♦ بر اساس عوامل خارجی شکل گرفته است. (عوامل مشابه اثرات مشابه بر هر کس دارند) یعنی مدلهای مکانیکی / رفتار گرایانه.</p> <p>♦ تحت شرایط خاص افراد رفتارهای خاصی بروز می دهند.</p>	ماهیت بودن انسان	

جدول شماره ۳: پاسخ دو پارادایم کمی و کیفی به سوال معرفت شناسی

۲- حیطه اپیستمیولوژیک		سوالات مطرح در تحلیل پارادایم	
پارادایم تحقیق		پارادایم	
تفسیر گرایان	مثبت گرایی	ماهیت «دانش»	سوالات اپیستمیولوژیک
<p>♦ دانش فقط مبتنی بر پدیده های قابل مشاهده نیست، بلکه همچنین ریشه در اعتقادات ذهنی، ارزشها، دلایل و درک ها دارد.</p> <p>♦ دانش ساخته شده است.</p> <p>♦ دانش در باره راههایی است که افراد معانی را در زندگی می سازند، نه دقیقاً آنچه معنی می کنند و معانی که می سازند.</p>	<p>♦ دانش می تواند در یک سیر نظامدار تشریح شود.</p> <p>♦ دانش عبارت است از فرضیات تایید شده که می تواند به حقایق یا قوانین مربوط شود.</p> <p>♦ احتمالی یعنی درست بودن برای یک گروه بزرگ از مردم یا رخدادی در موقعیت های مختلف.</p> <p>♦ دانش دقیق و خاص است.</p>	ماهیت «دانش»	سوالات اپیستمیولوژیک
<p>♦ تئوریهها:</p> <p>♦ قابل باز بینی هستند.</p> <p>♦ حقایق نسبی هستند.</p> <p>♦ حساس و وابسته به زمینه هستند.</p>	<p>♦ تئوریهها:</p> <p>♦ هنجاری هستند (normative)</p> <p>♦ مدلهای موجود هستند</p> <p>♦ قضیه های کلی، ارتباط علی بین متغیرها را توضیح می دهند</p>	نقش تئوری	
<p>♦ تئوریهها از «واقعیت» های مختلف ساخته می شود، محقق به چیز های مختلفی در مسیر درک پدیده توجه دارد.</p> <p>♦ تئوریهها در زمینه های اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرند</p>	<p>♦ موضوع قضیه هایی است که می توانند تائید یا رد شوند.</p> <p>♦ ثبات یک تئوری از پدیده ها / رفتارهای قابل مشاهده می باشد.</p> <p>♦ تست تئوریهها در موقعیت کنترل شده، عملاً فرضیه ها فرایند تجربه را حمایت یا رد کنند.</p>	ساخت تئوری / تست تئوری	
<p>♦ مطالعه پدیده های ذهنی، اجتماعی، فرهنگی در یک تلاش برای درک چرایی رفتار مردم از شیوه خاص.</p> <p>♦ دستیابی به معنی پدیده ها</p> <p>♦ تشریح وقایع گوناگون</p>	<p>♦ عدم پوشش «واقعیت» یعنی قوانین طبیعی</p> <p>♦ تشریح / توضیح و پیش بینی علمی پدیده ها</p>	نقش تحقیق	
<p>♦ تحقیق یک فرایند اشتراکی و اجتماعی است، که بوسیله شرکت کنندگان مطلع هستند، و دیگران تائید کننده آن.</p>	<p>♦ بتواند با یک سنجش و اندازه گیری عینی شود.</p> <p>♦ بتواند تکرار شود و قابل تعمیم باشد.</p>	نتایج تحقیق صحیح است اگر:	
<p>♦ عرف منعکس کننده قدرت است و هر روز تئوریهها بوسیله افراد عادی نگه داشته می شوند.</p> <p>♦ دلایل استقرایی و تکراری بکار می روند</p>	<p>نقش عرف هیچ - فقط دلایل قیاسی</p>	نقش عرف (عقل سلیم)	

جدول شماره ۴: پاسخ دو پارادایم کمی و کیفی به سوال روش شناسی

۳- حیطه متدولوژیک		سوال	
پارادایم تحقیق		مطرح در تحلیل پارادایم	
تفسیرگرایان	مثبت گرایی		
<ul style="list-style-type: none"> ♦ مشارکت در طراحی و معنا بخشی ♦ ورود تجارب شخصی به تحقیق ♦ تلاش برای درک عمیق و توسعه همه جانبه همه قسمت های مربوط. 	<ul style="list-style-type: none"> ♦ عینی/ مستقل از موضوع ♦ بررسی کنندگان بررسی شونده را کنترل می کنند. 	نقش محقق	سوالات متدولوژیک
<ul style="list-style-type: none"> ♦ ارزشها مکمل در زندگی اجتماعی محسوب می شوند ♦ ارزشها غلط نیستند، بلکه متفاوتند. 	<ul style="list-style-type: none"> ♦ علوم فاقد بار ارزشی هستند ♦ ارزشها در تحقیقات حضور ندارند ♦ همه تورش ها باید حذف شوند 	نقش ارزشها	
<ul style="list-style-type: none"> ♦ مشاهدات بدون ساختار ♦ مصاحبه های باز ♦ تحلیل گفتمان ♦ تلاش برای تسخیر دانش درونی 	<ul style="list-style-type: none"> ♦ عملی است. ♦ ساختارمند و مشاهدات قابل تکرار هستند. ♦ کمی سازی/ اندازه گیری 	روشها	
<ul style="list-style-type: none"> ♦ تحقیق در عرصه، در ارتباط با موقعیت واقعی برای گردآوری اطلاعات موقعیتی مهم و اساسی 	<ul style="list-style-type: none"> ♦ مطالعات پیمایشی ♦ تأیید (آزمون) فرضیه ♦ تحلیل آماری ♦ مطالعات کمی توصیفی 	انواع مطالعات	

References:

- 1-Bazargan H A. Mixed methods research, A superior approach for management studies. Knowledge Management, 21th years Summer Nmber 81 pp. 36-19. 2008. [text in Persian]
- 2-Guba EG, Lincoln YS. Handbook of Qualitative Research , Ch 6: Competing paradigms in qualitative research. Sage Publishers. USA. 1994.
- 3- Reid W A. Conceptions of curriculum and paradigms for research: The case of school effectiveness studies. Journal of Curriculum and Supervision, 12(3):pp. 212-227. 1997.
- 4- Leblanc H P. Syncretism of qualitative and quantitative research paradigms: the case for methodological triangulation. paper presented at annual meeting of the speech communication association, san Antonio texas. 1995.
- 5- Krauss S E. Research Paradigms and Meaning Making: A Primer The Qualitative Report Volume 10 Number 4 758-770 December 2005. Available from: <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR10-4/krauss.pdf>
- 6-Jokar B. Qualitative research versus quantitative research. Periodical letter. Mirza Shirazi's art and cultural publications. 2004.(5).pp:6. [text in Persian].
- 7-Durant W. The Story of Civilization. translated by Ashaaron M, Scientific and Cultural Publishing Company. Number 6, 448-449, 2006.
- 8- Foladi N. Health promotion process in patient with chronic illness and model development. PhD thesis, TUMS, 2005. [text in Persian]
- 9-Sorush A. what is science, what is philosophy, published in Toloe azadi, Tehran, 2000. [text in Persian].
- 10-Howe K R, Against the quantitative-qualitative incompatibility thesis or dogmas die hard. Educational Researcher, 17, 10-16. 1988 .
- 11- Sarvkhany B. Research methods in social sciences, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies, vol 1, pp. 300-299, 1994. [text in Persian]
- 12- Sherman R ,Rodman B. Qualitative research in Education: Focus and Methods Explorations in Ethnography Series. London: Routledge publication: Taylor & Francis e-Library, 2005. 13-Mvnyq K H, qualitative research as quantitative research. Medical Information Management, Volume 7, Number 18, Winter 2004. [text in Persian]
- 14-Williams E. RESEARCH AND PARADIGMS. 26 March 1998. Available from: http://www.umdj.edu/idsweb/idst6000/williams_research+paradigms.htm
- 15-Kalantari MH. Familiar with qualitative research approach. Journal of Education - Research Management tomorrow. Year 7 and 8. Autumn and Winter 2004. [text in Persian]
- 16-Salsali M, Parviz S, Adib HB M. Qualitative methods, Tehran human emissions 2003. [text in Persian]

Comparative survey between quantitative and qualitative paradigms (part II)

By: Emami A¹, SalsaliM², Basiri H³

Abstract

As stated in the first part of article, we have stated the four major philosophical paradigms which make up the basis for knowledge(epistemology), the nature and reality(ontology) and the acquisition methods of knowledge(methodology). Thus, according to each paradigm, approach to knowledge is determined.

In a more general category, we have two quantitative and qualitative paradigms. Today that method is called quantitative or scientific method, derived from positivism. On this basis, only the experimental scientific method is valid method of research. On the other hand, qualitative methods focused on natural position; therefore, these studies are sometimes called naturalistic study.

Since paradigmatic confrontation occurs in fundamental questions of each paradigm, researchers use different sources to determine two paradigms' answer to basic questions, and tables are made to comprise them. Finally the importance of each was emphasized.

Keywords: Qualitative Research/research/Philosophy,Nursing

1-PhD student in health education, faculty member of Guilan University of Medical Sciences

2-Nursing education, professor, faculty member of Tehran University of Medical Sciences

3-MSc in religious science, faculty member of Guilan University of Medical Sciences